

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۸، پاییز ۱۴۰۰

صفحات: ۱۶۶-۱۵۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

تفاوت‌های کلامی سیاست‌پیشگان و رجال سیاسی غربی و ایرانی در سند برجام حول محور قطعیت و عدم قطعیت بر اساس الگوی هالییدی

رامین زندی*، محمدحسین شرف‌زاده**، آمنه زارع***

چکیده

تحلیل و بررسی تعامل میان متون سیاسی و مخاطبان آن، یکی از موارد و حیطه‌های پیچیده و در عین حال جذابی است که می‌تواند نگرش‌ها و دیدگاه‌ها را نسبت به اغلب تعهدات، توافقات و آنچه در قالب اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور انجام می‌شود، نشان دهد. نگارنده بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بعد از بررسی گفتمان‌های سیاسی از بعد تحلیل کلام انتقادی و آشکار ساختن رابطه متن و ایدئولوژی در سند برجام نشان داد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی‌طرف نیست بلکه به موقعیتی خاص وابسته است این امر ممکن است کاملاً آگاهانه و یا ناآگاهانه و همچنین عمدی و یا غیرعمدی باشد. بدین منظور محقق بر اساس الگوی هالییدی پنجاه جمله (جملاتی که تبدیل به ماده و تبصره در سند برجام (ترجمه فارسی) شده‌اند) از رجال سیاسی غربی و پنجاه جمله از رجال سیاسی ایرانی را، برگرفته از سند برجام، با روش تحلیل محتوا بر اساس شاخص‌های زبانی را در این پژوهش بکار برده است و در پایان قطعیت و عدم قطعیت در جملات رجال سیاسی ایرانی و رجال سیاسی غربی بصورت آمار ذکر نموده است که حاکی از قریب به قطعیت در جملات رجال سیاسی ایرانی نسبت به رجال سیاسی غربی می‌باشد.

کلید واژه‌ها

سند برجام، قطعیت، عدم قطعیت، شاخص‌های زبانی، الگوی هالییدی.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

** استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

hosssharafzadeh@gmail.com

(نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

مقدمه

در حال حاضر زبان نه تنها مهمترین وسیله برقراری ارتباط، بلکه به مثابه ثقل و کانون اصلی و شکل دهنده‌ی فرهنگ محسوب می‌شود. چگونگی ارتباط میان زبان و فرهنگ و تأثیر تنگاتنگ و متقابل آن دو در برقراری ارتباط بین کاربران زبان با فرهنگ‌های متفاوت از درجه اهمیت بالایی برخوردار بوده و توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. با توجه به نقش مهم و اساسی فرهنگ در برقراری ارتباطات بین‌فرهنگی، از همین منظر بررسی این رابطه‌ی دوسویه‌ی در امر ارتباطات میان رجال سیاسی کشورهای مختلف بیشتر حائز اهمیت می‌باشد و مدنظر گرفته می‌شود (خبیری، ۱۳۹۶: ۲۵).

ضرورت توجه به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی به منظور جلوگیری از بروز برخی از سوء برداشتها و برداشتهای غلط حین برقراری ارتباط کاربران زبان با فرهنگ‌های مختلف تأثیر بسزایی در امر انعقاد قراردادهای تفاهم‌نامه‌ها و قطعنامه‌ها ... و روابط کشورها دارد (بهرامپور، ۱۳۷۸: ۳۳).

نگاه به تأثیر ایدئولوژی در زبان بی‌شک از بقایای تفکرات مارکسیستی است. بر اساس این تفکر هر شکل زبانی که به طور مجزا در نظر گرفته شود دارای هیچ معنی مشخص و معینی نخواهد بود و هیچ نقش یا اهمیت ایدئولوژیکی نخواهد داشت در نتیجه مجموعه مشخص و محدودی از گزاره‌ها که یک گفتمان را شکل می‌دهند، خودشان بیانگر یک نوع ایدئولوژی هستند و تحت تأثیر آن ایدئولوژی شکل می‌گیرند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱).

زبان‌شناسان انتقادی رابطه بین زبان و ایدئولوژی را هریک به نوعی تعریف کرده‌اند؛ مثلاً (Fairclough, 1989: 9)، معتقد است که ما به عنوان تحلیل‌گر نمی‌توانیم موضعی خنثی اتخاذ کرده و به پیشرفت و بهبود حقوق انسان بی‌توجه باشیم. او این عقیده را که «دانش به خاطر خود دانش» فرا گرفته شود افراط‌گرایی خوانده و معتقد است جایی در تحلیل ندارد. طبق نظر او دانش را ایدئولوژی تعیین می‌کند و اگر این را نادیده بگیریم مسئولیت‌پذیر نبوده‌ایم، پیرامون ایدئولوژی می‌گوید: "زبان‌شناسی انتقادی بر این فرض بنیاد شده است که کلیه متون در هر بافتی که باشند حتماً از لحاظ ایدئولوژیکی ساختمانده‌اند. لذا ناگزیر دارای ساخت‌های ایدئولوژیکی هستند و این ساخت‌های ایدئولوژیکی اعم از ساخت ایدئولوژیکی «متون» و ساخت ایدئولوژیکی «زبان» می‌توانند به ساخت‌های اجتماعی و فرایندهایی که سرچشمه اصلی متون خاص هستند مربوط شوند. بنابراین درون زبان‌شناسی انتقادی، هدف از تجزیه و تحلیل یک فرایند حتماً کشف معانی پیچیده و غیرعادی موجود در متون نیست بلکه ابهام‌زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرایندهای مربوط به تولید و درک

است که به تحلیل‌گران این قدرت را می‌دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی در زبان را ببینند و به دیگران معرفی نمایند".

به نظر می‌رسد که معانی به طور طبیعی ساخته می‌شوند البته بر اساس قدرت خالص و قالب‌های متفاوت و بر طبق آن‌ها معانی به اجبار بر مردم تحمیل می‌شوند و باید آن معانی پذیرفته شوند. این گفته بدین معنا است که مردم مجبور به خواندن متونی هستند که به نوعی ساختمان شده‌اند (Koff, 1972: 183)، نهادهای اجتماعی را حاوی شکل‌های گفتمانی ایدئولوژیکی اشباع شده می‌داند که در ارتباط با گروه‌های مختلف موجود در نهاد می‌باشند.

بیان مسأله

پژوهش حاضر در پی کشف و شناخت تفاوت‌ها و مشخصه‌های کلامی در دو جامعه‌ی زبانی ایرانی و غربی می‌باشد، به منظور مشخص کردن چارچوب موضوع مورد بررسی، و دوری و اجتناب از گستردگی آن، تفاوت‌های کلامی سیاست‌پیشگان و رجال سیاسی غربی و ایرانی حول محور قطعیت و عدم قطعیت در سند برجام مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا مشخص گردد: آیا وجوه مشترک و متفاوتی در گفتمان‌های رجال سیاسی ایرانی و غربی از نظر قطعیت و عدم قطعیت دیده می‌شود؟ و یا آیا در چارچوب نظریه‌ی هالیدی مسئله قطعیت و عدم قطعیت گفتمان ایرانی و غربی قابل تبیین است؟

اهداف تحقیق

- الف) بررسی گفتمان‌های سیاسی از بعد تحلیل کلام انتقادی
- ب) آشکار ساختن رابطه متن و ایدئولوژی

فرضیه‌های تحقیق

- الف: به نظر می‌رسد بین گفتمان سیاسی حاکم بر دو جامعه زبانی ایرانی و غربی تفاوت داشته باشد.
- ب: به نظر می‌رسد در چارچوب نظریه‌ی هالیدی مسئله‌ی قطعیت و عدم قطعیت در گفتگوهای سیاسی ایرانی و غربی قابل تبیین است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، روش توصیفی-تحلیلی است. از اجزای همسان در این تحقیق هم ترازی مقامات و رجال سیاسی دو جامعه مورد بررسی در سطح متن سند برجام می‌باشد. بر طبق نظر (Belcher, 1997: 1)، تحلیل محتوا به معنای تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی است. پیام می‌تواند به صورت رمان، یادداشت‌های سیاسی و سخنرانی سر مقاله باشد از نظر وی این روش کاملاً علمی است و با وجود جامع بودن از نظر ماهیت نیازمند تحلیلی دقیق و منظم است.

روش تجزیه و تحلیل مقاله حاضر روش تحلیل محتوا بر اساس شاخص‌های زبانی است. این شاخص‌ها عبارتند از افعال وجهی، افعال کمکی، افعال ربطی، قیده‌ها، وجه اخباری، وجه شرطی، وجه التزامی، وجه امری، جملات معلوم و مجهول و..

در ادامه پنجاه جمله از رجال سیاسی ایرانی و پنجاه جمله از رجال سیاسی غربی انتخاب شده است و این شاخص‌ها در این جمله به صورت درصد اندازه‌گیری شده است. با استفاده از کارشناسان آمار درصد شاخص‌ها و فراوانی آن‌ها در جملات مزبور به منظور درک قطعیت و عدم قطعیت در جدول جامع که در پایان آمده است ارائه شده است. در تحقیق حاضر به روش استقرایی عمل شده و نتیجه‌گیری نهایی حاصل بررسی جزء جزء واژگان است که به یک تعبیر معناشناختی منتهی شده است (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۹).

پیشینه تحقیق

یکی از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی تحلیل کلام انتقادی پایان‌نامه‌ای کارشناسی ارشد (اسمعیلی و صحرایی، ۱۳۹۳: ۷۶) می‌باشد، او در این تحقیق ضمن معرفی پیشینه و ساختار تحلیل کلام انتقادی و خاستگاه آن به بررسی فرضیه‌های ذیل می‌پردازد.

هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد متون دارای بار ایدیولوژیک می‌باشند نحو متن نیز معنادار است زیرا نحو دارای معنای اجتماعی و ایدیولوژیک است و این معنا در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند از قبیل رمزها، بافت‌ها و مشارکت وابسته است هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است. در این تحقیق آمده است که جنبش‌های اجتماعی برای به کرسی نشاندن ادعای خود مبنی بر وجود ظلم و ستم در جامعه‌ای ادبیات تحلیل کلام را گسترش داده‌اند از دیدگاه

تحلیل کلام انتقادی که متأثر از نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت و تفکرات مارکسیستی است (زاهدی، ۱۳۹۵، ۴۱).

اسمعیلی و صحرایبی، ضمن بررسی برخی از مفاهیم نظری در زبان‌شناسی انتقادی از قبیل ساختار خرد و کلان قدرت به عنوان کنترل با ارائه‌ای شواهد زبانی و تحلیل آنها که غالباً از متون رسانه‌ای می‌باشند موفق به تأیید فرضیه‌های تحقیق می‌شود (اسمعیلی و صحرایبی، ۱۳۹۳: ۷۶).
پایان‌نامه سید زارع، تحت عنوان بررسی دیدگاه‌های روایی در سه داستان کوتاه صادق چوبک رویکرد تحلیل کلام انتقادی از دانشگاه تهران پژوهش دیگری است که ادبیات را از نگاه راجرفاولر در چارچوب تحلیل کلام انتقادی مورد بررسی قرار داده است (زارع، ۱۳۹۶: ۴۴).

زارع، در این پایان‌نامه تحلیل ایدئولوژیک دیدگاه نویسنده را در تعامل با خواننده هدف غایی رویکرد تحلیل کلام انتقادی معرفی نموده است بر این اساس این پایان‌نامه طبق نظر فاولر و دیگر تحلیل‌گران کلام انتقادی ادبیات نه به عنوان هنر کلامی بلکه به عنوان زبان و به عنوان کلام در نظر گرفته می‌شود پس می‌توان همانند متون دیگر بستری برای انتقال ایدئولوژی و در نتیجه ابزاری انتقادی باشد وی در این تحقیق تلاش می‌کند که برای سئوالاتی همچون:

۱- خواننده آثار صادق چوبک چه راه‌های برای فهم موضع راوی در لحظات پردازش داستان‌هایش در اختیار دارد؟

۲- چرا خواننده داستان‌های کوتاه صادق چوبک گاهی با شخصیت‌ها احساس یگانگی و همدردی می‌کند و گاهی آنها را از خود مستقل و متفاوت می‌بیند؟

حسنی‌فر و امیری پریان، در مقاله خود با عنوان تحلیل گفتمان به مثابه روشی به نقل از فرکلاف از گفتمان دو تعبیر آورده‌اند، یک تعبیر آن را در قالب زبان و کلام و گفتار یا سخن می‌داند و تعبیر دیگر آن را فرازبانی قلمداد می‌کند و نقش زمینه و بسترهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را در آن دخیل می‌داند، در تعبیر اول به صورت و شکل و فرم زبان توجه می‌شود و در تعبیر دوم به زمینه‌مندی یا دخالت عوامل برون زبانی (اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) یا فرازبانی توجه دارد (حسنی‌فر و امیری پریان، ۱۳۹۳: ۴۹).

در پژوهشی دیگر با عنوان «مقاله تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵)» انجام داده شد. نویسندگان در پژوهش خود عناصر فراگفتمان در مقاله‌های تحقیقی رشته زبان‌شناسی کاربردی، نوشته شده توسط نویسندگان دانشگاهی ایرانی و بومی انگلیسی زبان را مورد مقایسه قرار داد تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را که ممکن است بین دو گروه از

نویسندگان از لحاظ استفاده از این عناصر وجود داشته باشد را مشخص نماید. او ۱۲۰ مقاله را بر اساس مدل فراگفتمان هایلند و هایلند و تسه بررسی کرد. نتایج تحقیق نشان داد این دو گروه نویسندگان از لحاظ عناصر فراگفتمانی متنی تقریباً مشابه بودند و بارزترین تفاوت‌ها در مورد عناصر فراگفتمان بین فردی بود که نویسندگان بومی انگلیسی زبان برتری غالب خود در این مورد نسبت به نویسندگان ایرانی نشان دادند (فامیان و رضاقلی، ۱۳۹۲: ۶۶).

ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۴: ۳۲)، در مقاله خود به بررسی محتوای مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت پرداخته است. مقاله‌ای که در آن اروپائیان و آمریکا بیشتر به متن برجام پایبند بوده تا روح آن، و ابراز داشتند که تحریم‌ها در حال فرسایش است و ایرانیان راه بهتری برای دور زدن تحریم‌ها داشته‌اند و ثبات اقتصادی خود را نیز حفظ کرده‌اند.

(کریمی، ۱۳۹۶: ۲۳)، در مقاله خود با نام ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل به بررسی ماهیت برجام پرداخته و با استدلال‌ات حقوقی بر این باور است که این سند یک موافقت‌نامه سیاسی یا نزاکتی است، تأکید کرده است و از تفاوت توافق نامه‌ها و قطعنامه‌های پیش از برجام از لحاظ متن و نوشتاری آن اشاره کرده است، از جمله: دو پهلو یا چند پهلو، پیچیده و تفسیرپذیر بودن واژگان و ... نام برده است.

به نظر (Hyland, 2005: 173)، تحلیل کلام یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی اما در حد فراتر از جمله و همچنین ارتباط و همبستگی بین فرهنگ و زبان تلقی می‌شود. او از روش توزیعی-ای که بر اساس آن چگونگی به دنبال هم و یا در کنار هم قرار گرفتن عناصر زبانی مشخص می‌شود و اینکه چگونه عناصر زبانی در محیط مشابه دنبال هم قرار می‌گیرند، حمایت می‌نمود. او معتقد بود که بدین گونه طبقات معادل یا هم سنگ به وجود می‌آیند و ترکیب طبقات در متن را سبب می‌شود.

تیشه‌یار و بهرامی (۱۳۹۷) با استفاده از علائم گوناگون خواننده خود را به خواندن متن ترغیب می‌کند، بعنوان مثال، با به کار بردن ضمیر دوم شخص مستقیماً خواننده را مخاطب قرار می‌دهد و با استفاده از پرسش‌ها و جملات امری، او را در دانش خود سهیم می‌کند و از این طریق به جای اینکه حضور خود را در متن نشان دهد حضور خواننده را در متن پررنگ می‌سازد.

(Camiciottoli, 2003: 15)، معتقد است تحلیل گفتمان معانی متعددی دارد که با توجه به کاربرد گفتمان در حوزه‌های مختلف دانش می‌توان نقش و کاربرد خاص برای آن در نظر گرفت. همانطور که برخی زبان‌شناسان تحلیل گفتمان کلامی را تحلیل گفتگو نامیده‌اند. در مقابل، برخی

دیگر تحلیل گفتمان نوشتاری را زبان‌شناسی متن می‌نامند. اما بطور کلی در مطالعات مربوط به زبان-شناسی کاربردی، اغلب تحلیل گفتمان را مطالعه گفتمان گفتاری و نوشتاری می‌دانند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جامعه آماری در این پژوهش شامل گفتگوهای رجال سیاسی ایرانی و خارجی پیرامون سند برجام می‌باشد. نمونه آماری تحقیق با انتخاب و گزینش پنجاه جمله از رجال سیاسی مورد نظر صورت پذیرفت. یعنی برای بررسی این فرضیه جامعه آماری تحقیق شامل یکصد جمله می‌باشد. همانطور که اشاره شد روش تحقیق بر اساس روش توصیفی تحلیل محتوا و تحلیل کلام انتقادی است که پژوهشگر با تجزیه و تحلیل متن بر اساس شاخص‌های زبان‌شناختی از قبیل ساخت‌های وجهی در مقابل ساخت‌های غیر وجهی، افعال ربطی، قیود، صفات و ... اقدام به تهیه جدول بسامد و توزیع عوامل دال بر قطعیت در متون نمونه نموده است و سپس بسامد و توزیع هر یک از عوامل فوق که نمایانگر درجه اطمینان و یقین و یا عدم اطمینان و تردید در شناخت گوینده متن است، مورد محاسبه قرار گرفته است. به منظور آزمون فرضیه تحقیق متغیرهای زبانی دال بر قطعیت و عدم قطعیت در قالب ذیل عملیاتی شده‌اند.

متغیرهای زبانی بیان گر قطعیت و اطمینان بیشتر:

(الف) فعل‌هایی که دلالت بر قطعی بودن عمل دارند مانند افعال ربطی بودن، شدن، هست، نیست.

(ب) افعال وجهی‌شناختی یعنی به کارگیری افعال مربوط به بینش و ادراک که بیانگر شناخت کامل هستند همچون عقیده داشتن، دریافتن، دانستن و درک کردن.

(ج) قیودهای متقارن: قیودی که از درجه تقارن و بسامد بالایی برخوردارند. قیودهای ارزشیابی مانند همیشه، حتماً، هرگز.

(د) افعال کمکی وجهی مانند باید، می‌بایست.

(ه) وجه اخباری

(ز) ساخت چملات معلوم و مجهول

متغیرهای زبانی بیانگر عدم قطعیت و اطمینان کمتر:

(الف) افعال وجهی‌شناختی که بیانگر عدم شناخت کامل و تردید هستند مانند خیال کردن، فکر کردن، به نظر رسیدن، تصور کردن، حدس زدن، استنباط کردن، پنداشتن.

ب) قیود درجه‌بندی: قیودی که از تقارن و بسامد پایین‌تر برخوردارند قیده‌های ارزشیابی مانند بعضی وقت‌ها گاهگاهی، به ندرت، شاید.

ج) فعل‌هایی چون احتمال دارد، می‌تواند باشد

د) وجه شرطی، التزامی، امری.

در (جدول ۱) و (جدول ۲) متغیرهای زبانی دال بر قطعیت و عدم قطعیت به همراه درصد آمده است.

جدول ۱. تحلیل بسامد و توزیع متغیرهای زبانی دال بر قطعیت و عدم قطعیت

شمار (ساختارهای زبانی) جملات	افعال کمک وجهی شناختی قطعی	کمک وجهی شناختی تردیدی	کل	افعال وجهی - شناختی قطعی	افعال وجهی شناختی تردیدی	کل	قیود متقارن	قیود درجه بندی	کل	ایرانی	
										فرآوانی	درصد
۱-۵۰	۷	۱	۸	۹	۲	۱۱	۱۱	۳	۱۴	۸۷٪	۱۲٪
خارجی	۴	۲	۶	۱	۸	۹	۵	۴	۹	۶۶٪	۳۳٪
۵۰-۱۰۰	۴	۲	۶	۱	۸	۹	۵	۴	۹	۶۶٪	۳۳٪
۵۰-۱۰۰	۴	۲	۶	۱	۸	۹	۵	۴	۹	۶۶٪	۳۳٪

جدول ۲. تحلیل بسامد و توزیع متغیرهای زبانی دال بر قطعیت و عدم قطعیت

شمار جملات (ساختارهای زبانی)	افعال ربطی	جملات معلوم	جملات مجهول	کل	ایرانی	
					فرآوانی	درصد
۱-۵۰	۳۰	۵۰	۰	۵۰	۱۵٪	۱۰۰٪
خارجی	۳۸	۳۷	۱۳	۵۰	۱۹٪	۷۴٪
۵۰-۱۰۰	۳۸	۳۷	۱۳	۵۰	۱۹٪	۷۴٪
۵۰-۱۰۰	۳۸	۳۷	۱۳	۵۰	۱۹٪	۷۴٪

با توجه به (جدول ۱) و مقایسه متغیرها و بسامد و توزیع آنها مشخص گردید که اولین متغیر در جدول داده‌ها که متغیر افعال کمک وجهی شناختی می‌باشد، می‌توان گفت که: در گفتگوی رجال سیاسی ایرانی از متغیر افعال کمک وجهی شناختی قطعی به میزان ۸۷٪ استفاده شده ولی در گفتگوهای رجال سیاسی غربی، از متغیر افعال کمک وجهی شناختی قطعی به میزان ۶۶٪ درصد استفاده شده و در مقابل ۱۲٪ درصد از افعال کمک وجهی شناختی تردیدی که رجال ایرانی استفاده نموده‌اند، سیاستمداران خارجی ۳۳٪ استفاده کرده‌اند. با مقایسه افعال کمک وجهی شناختی قطعی در

مقابل افعال وجهی شناختی تردیدی، در کل می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ این متغیر گفتگوهای رجال سیاسی ایرانی از قطعیت بیشتری نسبت به گفتگوهای رجال سیاسی غربی برخوردار است. در مورد افعال وجهی شناختی که دومین متغیر زبانی می‌باشد، در این گفتگو سیاستمداران ایرانی از متغیر افعال وجهی شناختی قطعی به میزان ۸۲٪ استفاده شده ولی در گفتگوهای رجال سیاسی غربی، از متغیر افعال کمک وجهی شناختی قطعی به میزان ۱۱٪ درصد استفاده شده و در مقابل ۱۸٪ درصد از افعال وجهی شناختی تردیدی که رجال ایرانی استفاده نموده‌اند، سیاستمداران خارجی ۸۲٪ استفاده کرده‌اند. با مقایسه افعال وجهی شناختی قطعی در مقابل افعال وجهی شناختی تردیدی، در کل می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ این متغیر گفتگوهای رجال سیاسی ایرانی از قطعیت بیشتری نسبت به گفتگوهای رجال سیاسی غربی برخوردار است.

سومین متغیر زبانی نشانگر قطعیت یا عدم قطعیت مربوط هست به قیدهای متقارن در مقابل قیود درجه‌بندی که به تحلیل آن پرداخته می‌شود. در (جدول ۱) به تناسب درصد و فراوانی چنین آمده است که رجال سیاسی ایرانی از متغیر قیود متقارن به میزان ۸۷٪ استفاده شده ولی در گفتگوهای رجال سیاسی غربی، از متغیر قیدهای متقارن به میزان ۵۵٪ درصد استفاده شده و در مقابل ۲۱٪ درصد از قیود درجه‌بندی که رجال ایرانی استفاده نموده‌اند، سیاستمداران خارجی ۴۴٪ استفاده کرده‌اند. با مقایسه قیدهای متقارن در مقابل قیود درجه‌بندی، در کل می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ این متغیر گفتگوهای رجال سیاسی ایرانی از قطعیت بیشتری نسبت به گفتگوهای رجال سیاسی غربی برخوردار است.

در مرتبه بعد متغیرهای زبانی که به نشانگر قطعیت یا عدم قطعیت مربوط هست افعال ربطی می‌باشد. در (جدول ۱) به تناسب درصد و فراوانی چنین آمده است که رجال سیاسی ایرانی از متغیر افعال ربطی به میزان ۱۹٪ استفاده شده ولی در گفتگوهای رجال سیاسی غربی، از متغیر قیدهای متقارن به میزان ۱۵٪ درصد استفاده شده، در این قسمت با مقایسه افعال ربطی می‌توان نتیجه گرفت از لحاظ این متغیر گفتگوهای سیاستمداران ایرانی از قطعیت بیشتری نسبت به گفتگوهای سیاستمداران غربی برخوردار است.

آخرین متغیر زبانی که حاکی از قطعیت یا عدم قطعیت در گفتمان رجال سیاسی ایرانی و خارجی می‌باشد، متغیر جملات معلوم و مجهول می‌باشد که در این سند نیز قطعیت گفتگوهای ایرانی نسبت به گفتگوهای سیاستمداران خارجی مشهود است. نسبت درصد جملات معلوم در بین رجال سیاسی

ایرانی ۱۰۰٪ نسبت به ۷۴٪ برای رجال سیاسی خارجی است و اینکه درصد جملات مجهول برای رجال سیاسی ایرانی (۰) صفر درصد نسبت به ۲۶٪ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

همانطوری که در (جدول ۱) و (جدول ۲) مشخص گردیده است و بصورت جامع آشکار و واضح می‌باشد، در تمام متغیرهای دال بر قطعیت و عدم قطعیت این رجال سیاسی ایرانی بودند که برتری خود را در گفتگوهای سیاسی در موضوع سندبرجام نشان داده‌اند و رجال سیاسی خارجی در متغیرهای نشانگر قطعیت درصدی را در قطعیت به خود اختصاص نداده‌اند و بعد از تصویب برجام و اتفاقات و رخدادهای بعد از برجام و خروج کشوری چون آمریکا از برجام نیز این عدم قطعیت را محرزتر و آشکارتر کرده است. نگارنده این پژوهش در رساله دکتری خود با عنوان نقد و بررسی سند برجام و ۱۰ مقاله مرتبط با آن نیز پیشتر به این نتیجه رسیده بود که رجال غربی و خارجی در ابزارهای گفتمانی و فراگفتمانی مدل هایلند درصد پایین‌تری را نسبت به ابزارهای فراگفتمانی رجال ایرانی در سندبرجام به خود اختصاص داده‌اند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۹۴). «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱». پژوهشنامه روابط بین‌الملل.
- اسمعیلی، سمیه و صحرایی، رضامراد (۱۳۹۳). «مقایسه و بررسی میزان و نحوه تعامل نویسندگان و خوانندگان در متون آموزش زبان فارسی و انگلیسی (با رویکرد میان رشته‌ای)». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۱.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۸). «درآمدی بر تحلیل گفتمان». کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی - به اهتمام: محمدرضا تاجیک، انتشارات: فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- تیشه‌یار، ماندانا و بهرامی، سمیه (۱۳۹۷). «سیاست خارجی عمل‌گرایانه‌ی ایران در قفقاز جنوبی در فضای پسابرجام». مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱، دوره یازدهم.
- حسینی‌فر، عبدالرحمن و امیری پریان، فاطمه (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان به مثابه‌ی روش». جستارهای سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره اول.
- خبیری، کابک (۱۳۹۶). «تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵). «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام: رویکردی استراتژیک». فصلنامه مطالعات راهبردی.
- زارع، شریف (۱۳۹۶). بررسی مقابله‌ای عبارات احتیاط‌آمیز و تأکیدی در علوم مختلف در مقالات پژوهشی فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- زاهدی، نسا (۱۳۹۵). «تأثیر برجام بر همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی.
- فامیان، علی و رضاقلی، مریم (۱۳۹۲). «تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵)». مجله پژوهشی زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- کریمی، امید ملا (۱۳۹۶). «ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.

ب) منابع انگلیسی

- Belcher D. (1997). **An argument for non-dversarial argumentation: On the relevance of the feminist critique of academic discourse to L2 writing pedagogy**. *Journal of Second Language Writing*, 1(2): 1-21.
- Camiciottoli BC. (2003). Metadiscourse and ESP reading comprehension: An exploratory study. *Reading in a Foreign Language*, 15(1): 15-44.
- Fairclough N. (1989). **Language and Ideology**. *English Language Research Journal*, 3(1): 9-27.
- Hyland K. (2005). **Stance and engagement: A model of interaction in academic discourse**. *Discourse Studies*, 7(2): 173-192.
- Koff G. (1972). **Hedges: A study of meaning criteria and the logic of fuzzy concepts**. In. Paul, Peranteau, J. Levi, G. Phares (eds.), *Papers from the Eighth Regional Meeting of the Chicago Linguistics Society*, Chicago: Chicago University Press, ۲۲۸-۱۸۳.